

پایان نامه :

دوره کارشناسی ارشد

رشته :

فرهنگ و زبانهای باستانی

عنوان

بررسی فرگرد دوازدهم و نندیداد

کامروز خسروی جاوید

استاد راهنما

دکتر کنایون مزداپور

استاد مشاور :

دکتر زهره زرشناس

تابستان ۷۴

فهرست

بیشکفتار: یک الی نوزده

آوافتاری سن اوستا: صفحه ۲۴-۱

یادداشت‌های سن اوستا: ۲۵-۲۶

برگردان ماری سن اوستایی: صفحه ۲۸-۲۷

یادداشت‌های برگردان ماری اوستا: ۴۵-۳۹

آوانویسی سن پهلوی: ۵۱-۴۹

یادداشت‌های سن پهلوی: ۶۲-۵۱

برگردان سن پهلوی: صفحه ۷۴-۶۳

یادداشت‌های برگردان پهلوی: ۷۶-۷۵

واژه نامه: صفحه ۱۰۱-۷۷

کتابخانه ماری: ۱۰۱

کتابخانه بهرمانی اردبیلی: ۱۰۳-۱۰۲

اوستا کتاب دینی زرتشتیان دنیاگان صابی گمان یکی از گنجینه های پر
 ارزش و منگ ایران زمین در برت است. اهمیتی که این اثر در تاریخ
 دین و مذهب دارد، غیر قابل انکار است. همین متون اوستایی اهمیت
 برای دانشمندی بیسیه زبانها و باورها و اساسی در زمان هند و اروپا
 دارد.

بر اساس روایات پهلوی، اوستای زمان ساسانیان به دست وید

منگ (= کتاب) تقسیم می شده است، و خود این دست وید منگ به

سه بخش تقسیم می شده است - گاهانی ۱، عبادت مائتری ۲ - داری.

و نه به ادخرد بخش داری بوده است. نیز، دست زردشتی به اوستای مکتوبی

در زمان صفانیان حفظه است، این اوستا بر دوازده هزار پوست گاو،

نقاشه به آب زرد در دهمل یکی با بغانی شاهی (Paki Dizīni bišē)

و دیگری در شیرگان (Paki šēčī gān)، پس از فتح ایران توسط اسکندر

معتدنی اوستابه دست یونانیان برآلته و دنا بود گشت و شش بازسازی
 و جمع آوری متن اوستا پس از این دوره، در زمان اسکاتان است.
 بلاش پادشاه اسکانی دستور داد ستون اوستایی هم آنهایی که به صورت
 نوشته باقی مانده بود و چه نسخهای که در سینه ها محفوظ مانده بود و سینه به
 سینه منتقل کردند، گرد آور شود. این عمل در چهار مرحله در زمان ساسانیان
 دنبال شده، نخست اردشیر اول به موبدان موبد خود تنسره (توسر) فرمان
 احاطه کاری داد که بلاش بی اندلته بود داده، شاپور یکم (۲۷۲-۲۴۱) نیز
 اردشیر، فرمان داد نسخهای از اوستا که قبلاً به زبان یونانی ترجمه شده بود،
 از این زبان ترجمه و از نو وارد اوستا گردد، در زمان شاپور بزرگ (۲۷۶-۳۰۹)
 موبدان موبد آذر باده را سینه ان، با زبانی که می در اوستا نمود،
 و صحت دست نمودن متن را با آرزوی الهی (در) در حقین شکر
 گذاشته بر سینه خود ثابت نمود.

در سرانجام، بازنسی تیرمه پهلوی استاد در زمان خسرو انوشیروان

(۵۷۹ - ۵۳۱ میلادی) صورت پذیرفت. امروزه برخی از محققان

عتقدند که اوستای بلاش به الطائی نزدیک به الطائی یونانی نگاشته

شده بود، و به علت رمانتیسم که دین زرتشتی با ادیان مسیحی و مانوی،

و بودایی پیدا کرده بود، دانسته این ادیان تحطبه خود را مکتوب کردند،

بر کتابت اوستا تا کنه و اهمیت بیشتری شده بود.

اما شواهدی که نوشته‌های مورخان یونانی و دیگران نشان می‌دهند، نشانگر

این است که روایت سنت زرتشتی منتهی بر وجود اوستای هفتاسنی

به احتمال زیاد صحت دارد. در پیوزانیسی که در صدهٔ دوم میلادی

(حدود ۱۵۰ میلادی) از فرد را تألیف نموده، نقل کرده است که در

لیدی (در آسیای صغیر) سفان به هنگام اجرای مراسم دینی، سه دهه بعد از زرتشت

می‌خواندند. نویسندهٔ دیگر یونانی پلیسی (Plinius) به نقل از هرمیپ

(Hermippe) آورده است که دوازده سیلین بیت از سرودها زرتشت
 در کتابخانه اسکندریه محفوظ بوده است. مانی بیابری نیز در کفای لایا -
 بیخ داشته است: «زرتشت خود کتابی تألیف نموده و بیست گردان
 وی پس از مرگ اولادش های وی را که در یاد داشتند مکتوب ساخته، و آن
 کتابهای است که امروز می خوانند» نیز در جای دیگری از همین اثر
 ادعا کرده است که تعلیمت بیابریان پس از خود، از جمله زرتشت و از کتابها
 آنها اخذ و به دین خود وارد نموده است. این مورد تردیدی در وجود اوستایی
 مکتوب در زمان اشکانیان نمی گذارد. نیز آیین مهرپرستی کتابها و مقدس خود
 را داشته است. در مهاباد ای که در «دوران» (دفاع سوریه مدنی) پیدا شده است
 روحانیان آیین مهر درحالی که طومار در دست چپ دارند، به تصویر کشیده شده
 اند. با ذکر شواهد بالا، دلیل منطقی برای رد سنت زرتشتی در وجود -
 اوستا و هفاسنی و اشکانی وجود ندارد.

وندیداد شکل تخریب شده *vi. daēuua-dāta; vidēvdāta* اوستایی

به معنی «ماندن چندان دیر» می باشد. وندیداد نوزدهمین نیک اوستا است

و بیست و دوم فصل است که در فصل آن زرتشت گفته می شود در مورد

وندیداد در زمان گذارش آن شهر بسیار صورت گرفته است، بسیار -

وندیداد را متعلق به مغان ماد می دانند. وی معتقد است که وندیداد دین

زرتشتی است که با ساز و آموگ مغان (مادی) تغییر پیدا کرده است»^۴

میری یونس معتقد است وندیداد احتمالاً در دوره اشکانی گردآوری یا تألیف

شده است، - متأسفانه ایشان دلایل خود را ذکر ننموده اند - و همین این

نیک نیزها متن ثانوی بوده است که به طور کامل از حفظ نهم شده است.^۵

از آنجا که وندیداد به نثر است و حفظ کردن آن کار است بسیار دشوار، و نیز

به خاطر اهمیت بسیار زیادی که این نیک در آیینها و شایسته نشاید بسیار

دینی دارد (که شهد آن حفظ کامل آن تا زمان ماست)، می توان

اطلاعاتی است که این نکت از نقش حکمای اوستایی است که مکتوب گشته است
و می بایست صورت نوشتاری آن کهن باشد.

سمت همدهای از فصول و زبده ادراج به مراسم تطهیر اشیا از آلودگی به

نفاست دیوهای اهریمنی و بیرون انداختن این دیوها از تن انسان است

دو فرگرد نشت و سه فرگرد فرجاسین از مسائل خاص دینی و تاریخی بحث می کند

در فرگرد اول و زبده ادراج از مشا زده کشور مرزا آورده و از آفتاب و بلای

که به وسیله اهریمن پدید آمده سخن به میان رفته است. فرگرد دوم که مربوط

به مسائل تاریخی - اساطیری ایران است، راجع به اساطیرهای مجسّم شده

از لحاظ قرارداد ادن فصول و زبده ادراج به ترتیب اهمیت یا موضوع، بعد

از فرگرد دوم، می تابدان فرگردی را که در حال حاضر نوزدهمین فرگرد و زبده ادراج

است قرارداد که اخصای بزرگ و مصائب بیابرد دارد

فرگرد سوم مربوط به ظواهر زمین است که پنجمان سبب شدی

و راستی و پنجمان باعث ناپاکی و عدم آسایش زمین است

فرگرد چهارم مربوط به تعارض حقوق و مدنی، نفس مراد ادها و نیز است

مضول ۵ تا ۱۲ راجع به تعارض تطهیر و دفع ناپاکی است. فرگرد پنجم مربوط

به کلام گاترمان باشد، که من بایست دو، سه، چهار بار تلاوت نمود تا دیوان

دفع شوند. فرگرد یازدهم راجع به جلوگیری تطهیر آتش و آب در سینه و

گاو و گیاه و مرد بارسا و زن دستارگان و ماه و خورشید و درویشی بی بیان.

موجودات فک آفریده شده، به وسیله خواندن گاترمان است.

فرگرد دوازدهم راجع به تفصیل بررسی خواص نمود. فرگرد سیزدهم راجع به سنگ

که آفریده ای نیکو است و احترام نسبت به آن نمک می کنند. فرگرد چهاردهم مربوط

به کفیر و کفاره کشتن سنگ آبی است. فرگرد پانزدهم در باره دفع لثه است

گمراه نفس مرد بارسا از دین خویش، آفرار سنگ آبتن، خواندن

استخوان سخت و یا خوراک داغ به سنگ نگریمان و نزدیک بیان درستان.

فرگرد شانزدهم مربوط به زن درستان و وقایع اوست.

فرگرد هفدهم دربارهٔ کوتاه کردن مو و گرفتن ناخن است.

فرگرد هجدهم راجع به موضوعات مختلف بحث می‌کند. از جمله روحانی در دستار و

تاز دست، تقدس فردس مرغ سرخ که پابانگ خود مردم را برابر نیاید

برمی‌خیزاند. فرگرد نوزدهم از جمله دیو بوئیتی (Buiti) و امرین

به زردت، سرنوشت روان پس از مرگ و تولد پیامبر سخن رانده است.

فرگرد بیست مربوط به پزشکی و استفاده از کلام از پدر در برابر بیماری است.

فرگرد بیست و یکم دربارهٔ زنان پادشاه و تالیف ابرو داد و دریای و روکش می‌باشد.

فرگرد بیست و دوم از گفتاور اهدرامزدا با سرنوشت و آئینیه سخن

می‌راند.

زند: در زمان مساسانین سراسر متن اوستا به زبان مادری بیان کرده شد.

این ترجمه‌ها بدست تمام واژه به واژه و حتی گاهی با برای ت قواعد نحو بنا

اوستایی انجام می‌گرفت و چون نظم افزای جمله در دو زبان یاد شده گوناگون

بود، گاهی این برگردانها موجب بروز ابهام می‌شود، اکنون ترجمهٔ پهلوی (زند)

— گاهان، یناه، تعدادی از نسبتها و وندیدار موجودات، حفظ آنها

داری نزد سترجهن ترند به اندازه ای بوده است که همراه جمله ای یا اصطلاحی

برای آنها میبود آشکارا یا پنهانی کرده گفته *um ne rōšn* «سپنی

برایم روشن است». این ترجمه ما و تقاضای همراه آن در اصطلاح ترند -

خوانده می شود، که معنای آن گزارشی دینان کردن است. ترند او ستا

بزرگترین صفت بازمانده از ادبیات پهلوی است، مفصلترین آنها

ترند وندیدار است.

۳- فرگده دوازدهم وندیدار!

که موضوع این بررسی بوده است، شامل بیت و چهار بند است.

موضوع این فرگده در ارتباط با مدت زمان مقرر برای سوگواری بتجان

است، نیز چگونه تطهیر خانه ای که نفوس متوفی در آن فوت نموده است

شرح داده شده است، تائیدی از پاک نمودن خانه دایه، آب، آتش

دانشاسپهان که مقدس شهبازی آید، وارد خانه نمی شود. در روایت
 پهلوی می خوانیم: «هر نزدگفت که: اگر کسی در تابستان در خانه ای
 ببرد، پس تا یک ماه بگذرد، بدان خانه نباید رفت. در زمستان، تا نه
 سب بگذرد، بدان خانه نباید رفت. ... خورش بقیه که در خانه برود،
 همه ناپاک است.»

امادر سرد سولاری بتان، بر حسب نزدیکی خوشاوندی زمان سولاری تیره
 می کند، هر چه خوشاوند نزدیکتر باشد طبعاً زمان سولاری هم بیشتر فواید بود
 بهترین زمان سولاری برای رئیس خانواده (زن یا مرد) می باشد. شش ماه
 برای نیکوکار و یک سال برای فرد گناهکار - لازم به ذکر است که اگر چه
 معمولاً پدر و مادر، ریاست خانواده را بر عهده دارند، اما این امر الزامی نیست،
 بدین صورت که مثلاً پس از فوت پدر، پسر بزرگ خانواده به عنوان رئیس
 خانواده شناخته می شود. همچنین، صورت زمان سولاری برای متوفی گناهکار
 دو برابر متوفی نیکوکار است. طبعاً فرد گناهکار نیاز بیشتری به دعا و طلب

یا زره

آمرزش دارد. این امر نشانگر این است که با وجود آن ستونی در این مدت
زمان مقرر شده، می‌بایست ادعیه و نیایشهای برای روان فرد درگذشته انجام
دهند. جنبه دیگری که از این متن به دست می‌آید و حائز اهمیت است، وضعیت
خانواده در ایران باستان است، مطلقاً مندرجات این متن، می‌توان نتیجه گرفت که
خانواده ایرانی باستان بر اساس نظام پدرسالاری در شکل خانواده گذرده
بنا شده بود. چه برادران، هموهان، عمه‌ها، و برادران و مادر بزرگ، جمعی
در یک خانه می‌زیستند. سیاهه اعضای یک خانواده که در این متن بر اساس
سلسله مراتب خود یاد شده تنظیم شده و سه نزدیک دارد، غایبی بزرگ دارد و
آن زوجین است، در متن مدت زمان مقرر سوگواران مرد بر همسر و زن هم
شوی خود مشخص شده است.

ژرتمیان امروزی (در ایران) مراسم سوگواران دارد. دعوات زیر برپای دارند:
مروز سوام سی از فوت، در بعد از ظهر مجلس مذهبی منعقد می‌شود که «سوام»
نام دارد، و دعای نیایشهای ویژه‌ای برای روان درگذشته انجام می‌شود.

در یازدهم روز چهارم پس از طلوع آفتاب نیایشی برای روان درگذشته

انجام می‌گیرد. صبح روز دهم درگذشت مراسم دیگری برپایه شود که در ادامه نام دارد.

یازدهم روز سیام نیز مراسم دیگر منعقد می‌گردد که «سیروزه» نامیده می‌شود.

یک روز پس از سیروزه یعنی در روزی که یکماه پس شش ماه فوت نموده

است مراسمی که «دروزه» نام دارد برپایه شود. این مراسم تا یازده ماه در روزها

متر ادامه خواهد داشت. نیز در یک سال پس از درگذشت متوفی

مراسم سال او برپایه گردد.

بنا بر سنون بهلولی، باز نماندگان و آشنایان متوفی تا سه روز حق خوردن

گوشت را ندارند مگر شایسته آنست که در هفدهم بنده او ۲۰۱۰ است

«این را نیز از آنست که هرگز در پی رسیدن آن» بقیه کلام «است» گوشت

نباید خورد.

هرگز پاسخ داد که در خانه ای چون تنی بمیرد تمام شب تمام شود، به

آن نماندگان (= یاد بود و مناسبت)، هنری (= هیچ) گوشت را بردون (نغز)

سزده

نباید زیاد بگردانید (خوردنیها) را، چون شیر و پنیر و مویز و تخم مرغ و
ریخوار که همانا باید (بر درون) نهاد. ^۸ میوندان (= بستگان) وی
نیز چیزی (= هیچ) گوشت نباید بخورند.

اما مراسم سوگواری در ایران باستان همراه بادله و سوبه رنوه سراسر بوده است:

مردودت در کتاب تاریخ خود (کتاب سوم فصل ۳، ۳) نقل می کند که:

در عزای مرگ کبوجیه، پارسی ها زار زار می گریستند، جامه بر خود می دریدند

و نامه رنوه بر سر می دادند. همچنین در میان ائمه ایرانی مسای که در شمال

ایران در روز سوگند تفتان می ریستند، عزاداری بزرگ عزیزان به ویژه

سزاد و سرداران طلائف بسیار شدید و همراه با گریه و فریاد می نمودی

و از غمی کردن خود با سلاح و غیره بوده است. ^۹ رسمی که قهقهه زنی و آزار هشی جهانی

در مراسم سوگواری تا شورا داد امروزه یادگاری آورده در میان دیگر مردمان

میلجوتی اعمال مشابه این دیده شده است، مانند از غم زنی برخود نزد سورا می

زانی به منگام و به علت مرگ سردار یا امیری.

اما بر اساس متون زرتشتی، ناله و سوب بر مرده شدیداً مکرم شده است
 در روایات زرتشتی آمده است که گریه بیش از اندازه برای متوفی، سبب
 گرفتاری او در جهان پسین می شود. اشکهای بیستان «درگذشته»، همچون رودی
 خواصند که مانع «رود درگذشته» به بهشت نخواهد گردید. این امر
 پرتاکی که در دین زرتشت بر ایمان و جهان دگر شده است، دلالت دارد.
 قیئیناً شخصی که به حیات روان پس از مرگ معتقد است، دلیل زیادی بر بونواری
 از اهل ندارد.

کارهای انجام داده در مورد این متن: دارمستر دانشگاه تراسوی در
 ترجمه کامل خود از ادبته، وندیداد را این زرتشت را به زبان فرانسه ترجمه نموده است.
 دلف «اشهد آلمانی» متن کامل او را بر اساس «فرهنگ ایرانی باستان»
 استاد خود یاد کرده به زبان آلمانی ترجمه نموده است. فرزد دوازدهم نیز خبری
 از این ترجمه است. سید محمد علی حسینی (داعی الاسلام) تمامی وندیداد را
 به فارسی برداشته است (از جمله این فرزد)، سرانجام عدیل دوستخواه نیز در ترجمه

بیان شده

اوستای خود که شامل همه متن اوستایی است، این فرگرد نیز به نارس
برگردانده است (برای همه موارد یاد شده، نگاه کنید به کتابخانه پایان دفتر).
در این بررسی، درباره ای از موارد این آثار سودجسته ایم.

(بم) روش کار:

در مورد متن اوستایی، نسخه تصحیح و گرد آوری شده گلدنر دانشگاه بریتانیا
مورد استفاده قرار گرفته است. متن زند نیز از کتاب و عدیداد (رجوع کنید به
کتابخانه پایان دفتر) دستور هوشنگ جلیاسب، که شامل هر دو متن اوستایی
و پهلوی است، آورده شود و مورد استفاده قرار گرفته است. موارد متعددی -
چه در متن اوستایی و چه در متن پهلوی - نیاز به تصحیح و بازنگری و مقابله با نسخه‌ها
دیگر داشته است، که در جایی یادداشت‌ها در متن اوستایی و متن زند این موارد ذکر
و تصحیح داده شده اند.

نفت، آدانویس متن اوستایی براساس روش موفمان ارائه شده،
پس با بررسی دقیق صریح و مخفی یک یک واژه‌ها، و بهره گیری از ترجمه پهلوی

من اوستایی به فادسی برگردانده شده است. لازم به ذکر است که اساس کار ما بر پایه من اوستایی که من اوستایی بوده و من زند نفس کلمی داشته است بعد از آن، آوانویسی من زند بر اساس شیوه آوانویسی مکتبی ارائه شده است. سپس برگردان فارسی من زند را آورده ایم.

مطالعه واژه‌های که نیاز به توضیح داشته‌اند، در بخش یادداشت‌های ترجمه اوستایی و برگردان زند، آورده و شرح داده ایم. سرانجام، واژه‌نامه اوستایی

فارسی با ذکر ترجمه پهلوی و شبیه‌هایی که طارقه مذکور در آنها کار بسته است و

تحلیل صرفی و مورفولوژی واژه، بر اساس ردیف الفبایی اوستا ارائه شده است. افعال تکرار یافته مثل ذکر شده مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

برای آنکه من اوستایی و زند در کنار هم باشد، عکس آنها از من اوستایی

دیارات گلدست و من زند ویراسته دستور هوشنگ آورده شد.

همین برای آشنایی با شیوه آوانویسی اوستا توسط هوشنگ،

کتاب الفبایی اوستا که موراراد داده است، آورده ایم.

همیشه

در پایان کار، کتبات فارسی و زبانهای اردوایی ارائه شده، و کتب و
معالجاتی که مورد استفاده قرار گرفته اند، بطور کامل و با ذکر مشخصات یاد شده اند.
در پایان سخن، بر خود بایسته می دانم از زحمات بی ثباته اساتید
دانشمند گروه فرضی و زبانهای باستانی پژوهشگاه، که در طی دوره محفل
خوش از محضر آنها کتب مفید نموده، و با اندازه همت و تلاش خوش دانش
اند و مقام شکر نمایم. به ویژه، از حضرات اساتید سرکار خانم دکتر نرگس پور
و سرکار خانم دکتر آرزو شانس، که در مقام اساتید راهنما و مشاور، از بذل
همه گونه یاری و کمک به این کمترین دریغ ننمودند، سپاس بی مر دارم.
نیز مایلم مراتب امتنان خود را از سرکار خانم دکتر منظر رحیمی که در نهایت
مهربانی قبول رحمت فرمودند و پشتیبانی از این اثر را بر عهده گرفته کلمات مفیدی
را گوشزد نمودند، ابلاغ نمایم. همچنین سعادت و یاری بیگانه ادیبانی آرزوی
پژوهشگاه، که بی آن این کار سر انجام نمی یافت، شکر است. امید دارم
بهر روز شاهد کامی ترینی زندگی این عزیزان باشم. امیدون باد امید و تر باران.

1. Kellers: «AVESTA» in ENCYCLOPÆDIA
IRANICA. VOL. III PP 35-36

2 3: J. DUCHESNE-GUILLEMIN: LA RELIGION
de l'Iran Ancien PP 40-49. et GEO-
WIDENGRÉN: Les Religions de l'Iran
PP 225-228.

۴- هنریک ساوئل شیرگ: دینهای ایران باستان، ترجمه دکتر سفیدالدین
نعم آبادی ص ۳۳۱-۳۳۲.

5- Mary. Boyce: Zoroastrianism. P. 2

۶- شهید سیرغزی: (مترجم) روایت پهلوی، ص ۲.

۷- موبدارد شیرآذر گنسب: آیین کهن و دین زرتشتیان، ص ۵۸-۵۰.

۱- کتابیون مردا پور: آوانویسی و ترجمه سانسیت، اشاعت